



نگاهی به نمایش خانگی «دفتر یادداشت»

خط خطی روان مخاطب در «دفتر یادداشت» ویک رکوردشکنی جنجالی!

سمیه دهقان زاده

روزنامه نگار



این روزها سریال «دفتر یادداشت» در حالی با رکوردشکنی در جذب تماشاگر مواجه است که خط خطی روان مخاطب در آن، با شوخی های جنسی و فضای شبه اروتیک مشهود است و سؤال مهم، چرایی اقبال قابل توجه مخاطب، با این نوع ارائه و شیوه روایت است.

«دفتر یادداشت»، سریالی است که پیش از اینکه با نام کارگردانش، کیارش اسدی زاده شناخته شود با اسم و رسم رضا عطاران و کمدی خاص وی گره خورده است.

خاص و متفاوت بودن که از پوستر تبلیغاتی اش شروع شد؛ تصویری که در آن رضا عطاران، در هیبت مردی میانسال با مو و محاسنی سفید، سیگار بر لب، به صندلی تکیه زده و دخترانی جوان با روپوش های سفید پرستاری فندک به دست به سمتش خم شده اند تا سیگار او را روشن کنند.

پوستری که گویی بازسازی شده سکانسی از فیلم مالنا (Malena ۲۰۰۰) با بازی مونیکا بلوچی است. با این پوستر، علاقه مندان به سریال های روز دنیا، کنجکاو شدند ببینند عطاران بعد از ۱۰ سال با حضور در سریالی در شبکه پخش خانگی، چه چیزی برای ارائه دارد.

با شروع سریال معلوم شد رضا عطاران (در نقش ایرج) و حسن معجونی (در نقش حمید) برگ برنده داستان هستند و در سال های نه چندان دور، پلیس بوده اند و با پشتوانه این عقیه می خواهند ماجرای قتل هایی که در یک ساختمان رخ داده را رمزگشایی کنند.

اما سیر داستانی که قرار است با بیماری آلزایمر ایرج، شوگردی داشتن منیر (مدیر آسایشگاه و مدیر ساختمان) و چند خرده داستان دیگر در خنده گرفتن و بیگیر شدن مخاطب مؤثر باشد، از ابتدا با شوخی های کلامی جنسی و طنز موقعیت شبه اروتیک همراه است.

جذب مخاطب در فضایی شبه اروتیک

زن پوشی حمید و حساسیت های ایرج در تماشای این مرد عروس نما و دیالوگ های جنسی پینگ پنگی در سکانس های ابتدایی فیلم، اصرار بر افتادن شلوار، کشیدن شلوار از پا و خیس شدن شلوار، لخت بودن مردان سریال در سکانس های مختلف، دامن پوش شدن ایرج و اشاره به اینکه دامن هواخور بهتری دارد، انگشت

با مخاطب اعم از مرد و زن هم خیلی در این سریال لحاظ نشده، اما با همه این تفاسیر، رکوردشکنی «دفتر یادداشت» در جذب مخاطب، خاص و سؤال برانگیز است و سؤالات دیگری را مطرح می کند.

اینکه آیا ذاتقه مخاطب ایرانی سیر نزولی پیدا کرده؟ آیا فحاشی کاراکترهای داستان به جای دافعه، ایجاد جاذبه کرده؟ آیا تصویر محو روابط فرزنشویی و نمایش روابط زناشویی بر پایه مبادله پول با جوانی، خیانت، دروغ،

نزدیک تر است) و موارد دیگر که شاید تصور در کنار هم قرار گرفتن در یک سیر داستانی، آن هم تنها در چهار قسمت دشوار باشد، اما این همان پکیجی است که «دفتر یادداشت» به مخاطب ارائه می دهد.

اگرچه دادن اطلاعات قطره چکانی به مخاطب و رمزگشایی از ماجراها در سیر داستان، فضا سازی، دکور، نوع فیلمبرداری، تیتراژ متفاوت با یک انگشت بریده و نوع خاص ارائه داستان بر جذابیت آن تأثیر گذار بوده، اما همچنان

عده کثیری از افراد، این سریال را نسخه ناشیانه و ضعیف سریال موفق «فقط قتل های این ساختمان» می دانند؛ سریالی که در آن بعد از اینکه مرگی در یک ساختمان آپارتمانی رخ می دهد، مستأجران آن چارلز (استیو مارتین)، میبل (سلنا گومز) و اولیور (مارتین شورتن)، کشف می کنند که همه شان عاشق جنایت واقعی هستند. آنها در این سریال جنایی کمدی راز آمیز تصمیم می گیرند که خودشان فرایند تحقیق را در دست بگیرند.

البته «دفتر یادداشت» فارغ از این کپی کاری ها، با تذکرات ساترا، کمی شوخی های کلامی اش را تعدیل کرده و سعی در جمع کردن دست و پای داستان و کشیده نشدن آن به سمت

ابتذال دارد، اما همچنان رد پای نگاه جنسی در آن پررنگ است و نه تنها توصیه خواهر ایرج به او مبنی بر محترمانه رفتار کردن با خانم ها، در روایت داستان دیده نمی شود که گویی برخورد محترمانه

نمایش برهنگی آقایان و دیالوگ های جنسی متعدد از زبان بازیگران محبوب طنز، خواسته مخاطبان امروز است یا تبلیغ و اقناع پوستر و تیزر و تبلیغات هر قسمت در بستر فضای مجازی - با وجود حق انتخاب در پلتفرم دلخواه و پرداخت اشتراک - بر همه اینها سرپوش گذاشته و مخاطبان در طلب خنده ای از ته دل بی خیال موارد مذکور، به تماشای «دفتر یادداشت» می نشینند، تا دلشان خوش باشد در کنار فیلم و سریال های روز دنیا، یک سریال کمدی-معمایی وطنی هم هست که تماشا دارد، حتی اگر نشود آن را خانوادگی دید.



آیا ذاتقه مخاطب ایرانی سیر نزولی پیدا کرده؟ آیا فحاشی کاراکترهای داستان به جای دافعه، ایجاد جاذبه کرده؟ آیا تصویر محور روابط فرزنشویی و نمایش روابط زناشویی بر پایه مبادله پول با جوانی، خیانت، دروغ، نمایش برهنگی آقایان و دیالوگ های جنسی متعدد از زبان بازیگران محبوب طنز، خواسته مخاطبان امروز است؟

